

فرهنگ‌شناسی

پنج شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۷ ۸ جمادی الثانی ۱۴۴۰ ۸ صفحه/شماره ۴۰۶۷

حکمت روز

امام باقر (ع)

سخن طبیب و پاکیزه را از هر که گفت بگیرد، اگر چه او خود، بدان عمل نکند.

تحف العقول ص ۲۹۱

مناجات

علامه حسن زاده آملی

الهی، آن که سَخَر ندارد، از خود خبر ندارد.

الهی، ذلت و لذت، فریب هم، بلکه قرین همنند که (لَنْ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا - شرح ۶/ راهرو در نِج تن گنج تِوان باید و در این بار گران، بار گران.

الهی، آن که عالم است عامل است؛ این خفته صنعتگر است نه دانشور.

الهی، آن که سر مایه دار د و از آن بهره نمی برد، از گدا گرفتار تر و بیچاره تر است.

الهی، شکر ت که در لباس دوستانَت هستم، مر ادر عداد دوستانَت بدار!

الهی، در صورت انبیا یم داشتی، در سیرت آنان هم بدار!

الهی، عاشق را ترک ماسوا ی معشوق، عین فرض است که یک دل و دو معشوق کذب محض است.

با شاعران

مولانا



خراسان به روایت خراسان

۲۵ بهمن ۱۳۴۷

صاحبخانه در غم کنده شدن ناودان سر گاریچی را بابل شکست

۵۰سال پیش در چنین روزی،روزنامه «خراسان» نوشت: دیروز مردی به نام حسین هنگام عبور با گاری اش از کوچه مهران با ناودان یک منزل شخصی برخورد کرد و ناودان از جا کنده شد.

در این اثنا صاحبخانه نیز متوجه موضوع شده و بانا را احتی از خانه بیرون آمدو شروع به پر خاش کرد. گاریچی که خود از این واقعه ناراحت بود عذرخواهی کرد و اظهار نمود: عمدا این عمل را انجام ندادم. ولی صاحبخانه بانا را احتی بیلی را که در دستش بود به طرف حسین پرتاب کرد و بیل بر سر او اصابت نمود. گاریچی در حالی که خون از سرش جاری بود به وسیله عابران به بیمارستان سوانح منتقل و هم بر سر او وارد می آورد و او را بر زمین می افکندو خود از محل حادثه فرار می کند. بعد از مدتی من و محمد علی به هوش آمدیم و به پاسگاه ژاندارمری مراجعه کردیم و از محمد حسین شکایت نمودیم و پس از تشکیل پرونده جهت معاینه به مشهد اعزام شدیم و نهایتا بر ای معاینه به پزشکی قانونی آمدیم تا به شکایت ما رسیدگی شود به طوری که رئیس پاسگاه می گفت قیلا محمد حسین یک نفر دیگر را نیز به همین کیفیت مضروب نموده بود.

دعوا بر سر آب خور دن گوسفندان
روز گذشته دو نفر به نام های ابوالقاسم و محمد علی در حالی که سر و صورتشان خون آلود بود به پزشکی قانونی مراجعه کردند. آن ها از شخصی به نام محمد حسین شکایت نمودند. ابوالقاسم در جواب سوال خبرنگار ما که علت حادثه را ایر سیده بود، گفت: شغل من چوپانی است.

خبر



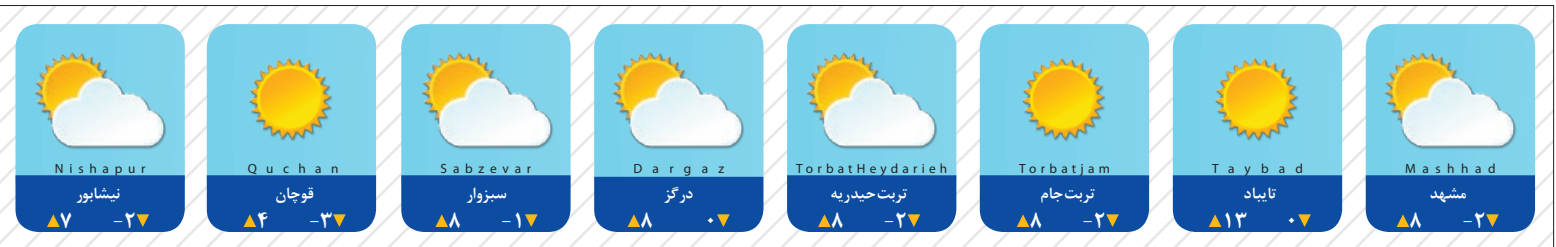
دیالوگ

«میگن جنگ جای بچه هان نیست... باید واسن تا بزرگ بشن ... خوگی می دونه آدم کی بزرگ میشه ؟!...!...»

’بزرگ یعنی کی؟‘

’بچه یعنی کی؟‘...!...

۲۳ نفر - کارگردان: مهدی جعفری



روزنامه خراسان ر ضوی: صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان مدیر مسئول: محمد سعید احدیان سردیر: سیدعلی علوی دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهیدصادقی صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۵۱۱ تelfn: ۰۵۱-۳۷۶۳۴۰۰

یادداشت

معصومه ذاکریان

سرپرست مرکز رشد انرژی پاک علم و فناوری خراسان

تاثیر شبکه سازی در توسعه شرکت های دانش بنیان

شرکت های دانش بنیان (Knowledgeenterprise)، نهادها و مؤسسات حقوقی خصوصی یا تعاونی هستند که با ایجاد یک کسب و کار دانش محور، تلاش می کنند تا روند پایدار تبدیل دانش به ثروت را محقق سازند. در این زمینه، فعالیت های اقتصادی آن ها مبتنی بر امر تحقیق و توسعه در زمینه فناوری های نوو پیشرفته است و در نتیجه به توسعه اقتصادی دانش محور در جامعه یاری می رسانند به عبارت دیگر، به شرکت هایی «دانش بنیان» گفته می شود که دانش و فناوری، جزئی جدایی ناپذیر از دارایی اساسی آن هاست.

اما شایان ذکر است که روند سنجش سطح دانش بنیانی شرکت ها توسط کارگروه ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت ها و موسسات دانش بنیان (تحت نظارت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری) انجام می شود و به شرکت هایی که نتوانند مجوز مربوط را در این زمینه دریافت کنند، ۱۱۰ برنامه حمایتی ارائه می شود.

نکته قابل توجه این که دانش یا فناوری به تنهایی نمی تواند خلق ثروت کند و زمانی که این فناوری در قالب محصولات یا خدمات قابل ارائه به بازار باشد، می تواند ارزشمند واقع شود. این تبدیل فناوری به خدمات و کالا نیازمند زنجیره ای از فعالیت ها بوده و ممکن است در قالب یک شرکت دانش بنیان قرار نگیرد.

یکی از مسائل مهم دیگر برای شرکت های دانش بنیان بحث توسعه در همه ابعاد سازمانی، بازارها و محصولات است که در نتیجه، در بقای شرکت نقش به سزایی دارد. معمولاً مسیر توسعه این گونه شرکت ها فرایند غیر خطی و پیچیده ای دارد و مستلزم وجود تخصص های زیادی است.

از راه حل هایی که برای توسعه شرکت های دانش بنیان نوپا در سال های اخیر پیشنهاد می شود، شبکه سازی (Networking) این گونه شرکت ها با شرکت های توسعه یافته است.

شبکه سازی یک راهبرد حرفه ای و کارآمد است که برای توسعه شرکت هادر سطوح مختلف می تواند راهگشا واقع شود. همچنین شبکه سازی زمانی اتفاق می افتد که گروهی از شرکت ها که در عرصه کسب و کار با بازار مشابه فعالیت دارند دارای دغدغه های یکسان هستند، کنار هم قرار گرفته اند و یاری رسان همدیگر هستند تا نقاط ضعف خود را پوشش دهند و بهتر بتوانند به عرصه فعالیت اقتصادی ورود و در آن موفق عمل کنند.

در شکل گیری و بقای یک شبکه عواملی مانند در دسترس بودن افراد (شرکت ها) در ک و دید مثبت اعضا به یکدیگر و منافع سازگار تاثیر دارد؛ در حالی که فقدان یا متوقف کردن منافع مشترک می تواند باعث نابودی شبکه شود.

بهترین نوع شبکه سازی بین شرکت های نوآور نوپا و شرکت های توسعه یافته می تواند اتفاق بیفتد که نتایج این نوع از شبکه سازی را می توان منعطف کردن هر دونوع شرکت در برابر چالش های سیاسی، تغییرات شرایط بازار، پیشرفت تکنولوژی سریع و افزایش رقابت دانست. هر چند نباید این موضوع نادیده گرفت که ایجاد شبکه می تواند دارای پشتوانه فرهنگی باشد و خصوصیات فردی، کارگروهی و روابط مبتنی بر اعتماد و صداقت در آن نقش به سزایی دارند.

در ایران بهترین مفهوم شبکه سازی به صورت کاربردی در پارک های علم وفناوری وجود دارد که دلیل این موضوع می تواند حضور شرکت های نوپا و توسعه یافته در قالب مراکز رشد شرکت های همکار و نزدیکی فضاهای کاری این شرکت ها به یکدیگر باشد. همچنین پارک ها با ایجاد محیط های تخصصی و مشترک در قالب تورهای فناوری و برگزاری نمایشگاه های تخصصی برای انجام فعالیت های بازارآزایی شرکت ها توانسته اند پذیرزادی از طریق ایجاد و مدیریت شبکه برپایداری، رشد و توسعه بازار آن ها داشته باشند. هر چند امروزه با استفاده از ابزارهای ارتباطی متفاوت و در دسترس، بحث قربت جغرافیایی چندان مطرح نیست و می توان شبکه را بدون در نظر گرفتن مسافت ایجاد کرد و از نفعات آن بهره مند شد.

از موانع شبکه سازی در این حوزه، در ایران نیز می توان به موانع ی کاری شرکت ها، ضعف فرهنگ کار تیمی، اولویت دادن منافع فردی به منافع گروه، ایجاد فضای رقابتی ناسالم، نبود اعتماد متقابل در دراز مدت و نبود با فقدان چهارچوب حقوقی مناسب اشاره کرد. به عنوان نمونه شرکت های نوپا در شروع کار این تصور دارند که می توانند فرایند بازارآزایی شرکت را خود انجام بدهند و بعد از صرف زمان زیاد که گاهی به سال ها هم می رسد با شکست روبه روی می شوند و به دنبال راه حل می گردند و در نهایت به این نتیجه می رسند که در کنار یک شرکت بزرگ قرار بگیرند و از خدمات دانش شبکه استفاده کنند. موضوع اصلی این است که مزیت استفاده از شبکه فقط به توسعه بازار شرکت ها ختم نمی شود بلکه موارد مروط به دیگر فرایندهای سازمانی، رانیز در بر می گیرد، زیر مدیریت به سه عامل: زمان، سرمایه انسانی و سرمایه مالی به راحتی از طریق شبکه سازی در دست و کارآمد امکان پذیر است. نکته مهم دیگر آن که، مدیران شرکت های نوپا با استفاده از مزیت های شبکه می توانند به سطحی از بلوغ فردی و کاری نیز برسند که می تواند در آینده راهگشای آن ها در حوزه کسب و کار باشد.

واحد معیّره آراییی روزنامه خراسان سفارش می پذیرد

۰۹۳۷۰۰۹۳۹۰۰۵۱۳۲۰۰۵ layout@khorasan.com

مصاحبه

سارا صالحی

منتقد جنجالی سیستم آموزشی کشور در تحریریه خراسان مطرح کرد درآمدزایی سلاطین کنکور از نگرانی های والدین



پذیرش مثلاً در رشته پزشکی با تعداد متقاضیانش، بسیار متفاوت است. باید بپرسیم اصلاً چرا همه ما نیاز داریم دانشگاه رویم و مدرک بگیریم؟ این تفکر و سوسواس از کجا به ذهن این جامعه تزریق شده است و چه کسانی از آن منفعت می برند؟»

افشاگر ی؛ آری یانه؟

این چهره منتقد بارها از مافیای کنکور و مدار کی که علیه آن ها وجود دارد، سخن گفته است. از او می پرسیم که در بیان نقادانه اش چرا دست به افشای این مدارک نمی زند؟ در جواب بیان می کند: من در رویکردم، به افشاگری فردی اعتقادی ندارم، فرض کنیم مثلاً از فلان آقا به عنوان یکی از سلاطین کنکور به صورت مفصل صحبت کنیم اما فایده ای ندارد. گرم که انتقادات من روند فعالیت او را متوقف کند، اما خیلی زود جای او را فرد دیگری می گیرد چون بستر تقاضا وجود دارد و درآمدنیز در این حوزه کلان هستند و بستر آسیب می شوند. چند هزار متقاضی که پشت سد کنکور هستند، ناخودآگاه فعالیت این امفیا را جلومی برند. دیروز سلطان سکه، قیر، کاغذ و... و فر داسلطان کنکور را بگیرند، اما ای رندهای آسیب زا اصلاح می شوند؟ این استاد دانشگاه تا یکدی می کند: آموزش و ساختن فلان سدا یا احداث ساختمان در بهمان نهاد نیست؛ بلکه دغدغه اول آموزش است. حسینی ادامه می دهد: من به دنبال حساس شدن نخبگان جامعه هستم، تفکر منتقدان را ببار ای بهرمر نشستن جریان مذکور لازم است.

نمی خواهم نماینده مجلس شوم

آن هایی که حرف های این استاد دانشگاه را زیر تیغ نقد می برند، مدعی هستند که «حسینی» با سوار شدن بر موج این انتقادات برای کارنامه آینده خود برنامه هایی چیده که از جمله آن، نمایندگی مجلس است حتی یک پست دولتی است؛ خودش اما در جواب، به صراحت بیان می کند: معتقدم که نماینده مجلس شدن در برهه کنونی، فایده ای ندارد چون مثلاً ۱۰۰ نماینده مجلس داریم که قوانین رای به نفع افشار مر ف جامعه مصوب می کنند. از طرفی رای من به تنهایی در مجلس، تغییر ی را رقم خواهد زد؟ فکر می کنم اول باید خاستگاه مخالفان مشخص شود، بعد بگویند چرا این حرف را به من نسبت می دهند؟

همه ما حاصل تبعیض هستیم

«همه ما حاصل تبعیض هستیم.» او با این جمله، بخشش را ادامه می دهد و بیان می کند: آن که می گویند من تبعیه هستم چون در فلان آزمون صاحب رتبه شده ام یا دانش آموز خوبی هستم چون سمپاد هستم، تبعیضه می کند. او محصل آزمون سمپادی است که ۷۳۰ هزار نفر اصلاً در آن شرکت نمی کنند. یا در حالی رتبه خوبی در کنکور کسب می کند که سه میلیون نفر در کشور اصلاً درس نمی خوانند. پس همه ما بخشی از این تبعیض هستیم و نمی توانیم تفریقات مان را الزاماً و صدر صد پای هوش و استعداد بنویسیم. حسینی، گوشه چشمی هم دارد به رسانه هایی که سلیقه جامعه را شکل می دهند و البته درآمدهای کلانی که از کنکور به جیب عده ای روانه می شود: پس مدرک یا اولویت

اول تلویزیون ما تبدیل می شود، صبح تا شب تبلیغ فلان مرکز کنکور یا کتاب های آموزشی بهمان موسسه ای را پخش می کند. نتیجه این اتفاق، تغییر دیدگاه خانواده ها به کنکور است و به همین سادگی فرهنگ یک ملت ساخته می شود. اصلاً اگر خانواده ای بخواهد فرزندش پزشک بشود، باید ۶۰ هزار پشت کنکوری دیگر را قایت کند آن هم در حالی که تنها دو هزار نفر امکان تحصیل در این حوزه را دارند. این مدرک گرایی در دهه ۴۰ وجود نداشت. طی ۲۰ تا ۳۰ سال گذشته ذائقه ها تغییر کرده و ر سانه هایکی از عوامل آن هستند. او بخشی از درآمدزایی سلاطین کنکور را از ایجاد ترس و نگرانی برای والدین و دانش آموزان در این حوزه می داند و بر این باور است که: «گاهی خانواده ها هزینه های گزافی هم می کنند و همه امکانات را هم برای تحصیل فرزندشان به دشواری تامین می کنند اما نتیجه لازم حاصل نمی شود چون اساساً ظرفیت

«نویسنده، روزنامه نگار، مدیر عامل سابق باغ کتاب تهران و استادیار دانشگاه تهران، هیچ کدام این ها به اندازه عنوان «منتقد سیاست های آموزشی کشور» برای او شهرت نساخته است. «مجید حسینی» اگر چه علوم سیاسی خوانده و در دانشگاه نیز همان را تدریس می کند اما در یک سال گذشته، یکی از سرسخت ترین منتقدان سیستم آموزشی کشور بوده و در این مدت، سلاطین کنکور و مافیای مشق شب را به تنگ آورده است. در صحبت هایش، به صراحت وجود دانشگاه های پولی در کشور را زیر سوال می برد و نبود فرصت های برابر تحصیلی را یک تخلف بزرگ از قانون اساسی می داند. اظهارات او در برنامه های تلویزیونی نظیر «حالا خورشید»، «فرمول یک»، «تب و تاب» و... به غایت جنجال ساز بوده و خیلی ها را عصبانی کرده و به واکنش واداشته است اما خودش تا تأکید دارد که این تازه راه اوست و کمر همت بسته تا نخبگان را به شرایط موجود حساس کند و آن ها را به واکنش و مطالبه گری وادارد. حضورش در مشهد مجالی می شود تا با او به گفت و گو بنشینیم، هم نقد هایش را بشنویم و هم با او از نقدهایی بگویم که در خصوص دیدگاه هایش مطرح می شوند:

چالش در اقتصاد سیاسی آموزش و پرورش

«حسینی» هر کجا که زبان به نقد باز کرده، آن هایی که به نوعی از کلماتش آزرده شده اند، مدرک تحصیلی او را بهانه کرده و زور و دیک «علوم سیاسی» خوانده به عرصه نقد سیستم آموزشی، به عنوان یک حرکت پوپولیستی و شهرت طلبانه یاد کرده اند؛ اما خود او پاسخ این نقدها را این طور می دهد: اتفاقاً رشته تحصیلی ام، من را به این سمت سوق داد، شاید اگر علوم سیاسی نمی خواندم در گیر مسائل آموزشی نمی شدم. علوم سیاسی یک سازمان ذهنی است که توضیح می دهد چگونه می توان یک جامعه را از طریق سازمان دهی در ست قدرت، خوب اداره کرد. من در مقام یک جامعه شناس سیاسی، بررسی می کنم که سازمان قدرت در کجا دچار اختلال شده و در قالب بروز نابرابری های اجتماعی، مخرب عمل می کند. البته اگر از هر کدام از اعضای همین جامعه خودمان (منها) نوع تخصص اش) بپرسیم که مشکل امروز جامعه ایران چیست؟ همین پاسخ را می ده دومی گوید: نابرابری. در واقع، این توزیع ناعادلانه درآمدهاست که خود به ناعادلانه شدن سازمان قدرت می انجامد. حالا اگر از نقطه نظر علوم سیاسی نگاه کنیم که کجای این بی عدالتی، بحرانی شده تا برای اصلاح گری از همان جاشروع کنیم؛ به این پاسخ می رسیم: «آموزش»

یک تلنگر برای تولد یک منتقد

اشاره ای می کند به تلنگر تلخی که بهانه آغاز یک حرکت انتقادی برای او شد و می گوید: خبر بود کنشی دانشجوی دکترا حقوق داشکدها، برای من یک شوک بزرگ بود و این سوال را در ذهنم جان بخشید که چرا نخبه ای همچون او باید این طور به پایان خط برسد؟ پرسش جو کردم و متوجه شدم که مدت ها دنبال گرفتن فرصت تدریس بوده و از دانشگاه دولتی تا از دوغیر انتفاعی، پاسخ «نه» شنیده بود چون همه کرسی های استادی به مدت ماشین تولید مدرک در کشور مان پر شده و از طرفی او راه میان بر یا همان «پارتی» را هم ندانست پس یک بار ه سال های عمرش را از دست رفته دید و تصمیم به خودکشی گرفت. با خود فکر کردم اگر آن کسی که گل سر سید آموزش عالی بود، چنین بلایی سرش آمد، فارغ التحصیل فلان دانشگاه پولی در یک شهرستان دور افتاده کی یک رشته فاقد ظرفیت استخدام را ادامه می دهد، باید با مدرک آینده اش چه کند؟ بپذیریم که مدرک گرایی در کشور ما به آفتی خطر ناک برای نسل جوان ما تبدیل شده است.

رتبه های زر هزار به قشر مرفه تعلق دارد

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، در ادامه صحبت هایش یک بار دیگر سازمان اقتصادی آموزش و پرورش و موضوع عدالت آموزشی را پیش می کشد و از افزایش روزافزون مدارس پولی و غیر انتفاعی انتقاد می کند و می گوید: در مناطقی که در سانه ملی، در پاسخ به این ادعای معاون مالی آموزش و پرورش که گفت: مشکل این وزارتخانه کمبود اعتبار است، بیان کرد؛ چالش شمار در واقع این است که دولت را یک بنگاه اقتصادی فرض می کنند. معتقدیم اگر دولت اعتباراتش را خرج آموزش و پرورش کند، باید برای هر دانش آموزی به طور متوسط چهار میلیون تومان از خزانه هزینه کند، این همه در حالی است که اگر کار را به بخش خصوصی بسپارد هزینه یک میلیون تومان تمام می شود، پس خصوصی سازی برای دولت مقرون به صرفه تر خواهد بود. اما بخش خصوصی قرار است چطور آن سه میلیون تومان را جبران کند، پاسخ آسان است، از حق و حقوق معلمان بایه می